

توفان

ارگان مرکزی حزب کار ایران

دوره ششم - سال بیست و سوم
خرداد ۱۴۰۱ شماره ۲۱۷

جنگی سرنوشت‌ساز و حیاتی برای بشریت

هشیار و آگاه باشیم، چشمان خودمان را بگشاییم، گوش‌ها و ذهن خودمان را در اختیار دروغ‌ها و اکاذیب رسانه‌های امپریالیستی غرب قرار ندهیم و نگذاریم با جعل اخبار در روز روشن، با صحنه‌سازی و فیلم‌های هولیوودی که به اکران می‌آیند، تا به خرد بشریت توهین کنند و به مغزبائی موفق گردند. به قول «میشائیل لودر» (Michael Lüders) کارشناس محبوب، جسور، برجسته امور سیاسی جهان و به ویژه خاورمیانه در آلمان، دنیا فقط اروپا و آمریکا نیست. اخباری هم در سایر نقاط جهان منتشر می‌شوند که مضمونشان صدوهشتاد درجه با اخبار اروپا و آمریکا متفاوت هستند و روایت آمریکائی را بازتاب نمی‌دهند. در اکثر ممالک جهان ماشین دروغگوئی امپریالیسم - صهیونیسم بُردی ندارند و مردم با سانسور کم‌تری با وقایع روسیه و نازی‌زدائی در این کشور روبرو می‌شوند. مردم دنیا تصاویر هزاران نفر مزدوران خارجی، نازی‌های وارداتی و نظامیان آمریکائی و انگلیسی را که دستگیر شده و یا به بهشت رفته‌اند می‌بینند که با مردم اوکراین قرابتی ندارند. مردم جهان شاهدند که نازی‌ها به چه جنایاتی بر ضد بشریت در این کشور و به ویژه نسبت به مردم روس تبار اوکراین دست زده‌اند. آمریکا و اروپا با ممنوعیت بیان آزاد افکار، با نقض حقوق بشر، سانسور اخبار و مطبوعات، ممانعت از برگزاری نمایشات اعتراضی ضد نازی‌های اوکراین و... با حلوا حلوا کردن در بین خودشان این تصور واهی را ایجاد می‌کنند که گویا در سراسر آمریکای لاتین، آفریقا و آسیا نیز همین دروغ‌ها تکرار می‌شوند و روایت آمریکائی ناتو به خورد مردم داده می‌شود. این رسانه‌ها میان اروپائیان و اجیران نازی به دنبال گوشت دم توپ هستند... **ادامه در صفحه ۲**

فاجعه انسانی در یمن و سانسور رسانه‌های

یمن کشوری است که برای استقلال خود می‌رزمند و به جز تعداد اندکی کشورها که از مبارزات مردم یمن حمایت می‌کنند و از جمله ایران، سایر ممالک به ویژه ممالکی که مدعی دفاع از حقوق بشر و یا رسیدگی به جنایات جنگی هستند، نظیر اتحادیه توسعه طلب اروپا، و یا ممالکی نظیر سوئد، آلمان، بلژیک، هلند در این مورد سکوت مرگ اتخاذ کرده و به عمد چشم بسته‌اند. زیرا مضمون حقوق بشر این ممالکی که خود را «مبارزان ضد جنایات جنگی» جا می‌زنند، روایت دیگری بر اساس منافع امپریالیستی آنها دارد. درجه تحریک احساسات بشردوستانه آنها به درجه حجم منافع استعماری و غارتگرانه آنها بستگی دارد. روزی خبرنگاری از «مادلین آلبرایت» وزیر وقت امور خارجه آمریکا در مورد تحریم عراق که منجر به مرگ بیش از نیم میلیون کودک عراقی شده بود پرسید: آیا تحریم و تجاوز به عراق ارزش این کار را داشت. این نماینده «حقوق بشر» آمریکائی که تحریم ایران و یمن را نیز تأیید و تبلیغ می‌کرد و برای جان ایرانیان پیشیزی ارزش قایل نبود، با صراحت از این جنایت دفاع کرد. این نظر همه رهبران اتحادیه اروپا، بریتانیا و تمام جبهه امپریالیسم آنگلوساکسون است. برخورد آنها به امر حقوق بشر صرفا کاسیکارانه است.

در کشور یمن مردم یمن بر ضد یک نیروی اشغالگر مبارزه می‌کنند. آنها توانسته‌اند به نفوذ عربستان سعودی که در یمن حکومت می‌کرد و این کشور را بخشی از خاک خودش به حساب می‌آورد خاتمه دهند. عربستان سعودی به سایر کشورهای شبه جزیره عربستان سعودی نظیر قطر، امارات متحده عربی و حتی عمان نیز چشم طمع دارد. این است که نطفه اختلاف و تضاد با عربستان سعودی در همه جا بسته شده و می‌شود. هیچ کس از قدر قدرتی این کشور در شبه جزیره عربستان حمایت نمی‌کند. آنها از ضعف و عدم موفقیت‌های عربستان سعودی در جنگ یمن در عین حال شادمانند زیرا اجرای نیت این کشور را نسبت به آنان به تاخیر می‌اندازد و تضعیف می‌کند. رسانه‌های دروغگوئی امپریالیستی در مورد مبارزات مردم یمن و جنایات همدستان خودشان در یمن یا سکوت کامل اختیار می‌نمایند و یا آنها را عوامل جمهوری اسلامی ایران معرفی می‌کنند. حال آن که نفوذ جمهوری اسلامی ایران در یمن محدود بوده و با دیوار آهنینی که دنیای آدم‌خوار به دور مردم یمن کشیده است، امکان کوچک‌ترین یاری به این مردم، چه از نظر غذایی و چه نظامی وجود ندارد. این رسانه‌های دروغگو فقط از مبارزه «حوثی‌ها» در یمن دم می‌زنند. اگر در بدو امر... **ادامه در صفحه ۵**

«تقدس» مالکیت خصوصی در دوران انحصارات در قدرت

دولت آمریکا برای مبارزه با روسیه از همان اسلحه تحریم و ابزار استعماری «سویفت» برای ممانعت از داد و ستد و معاملات خارجی دولت روسیه استفاده کرد و می‌کند.

تحریمی که دولت آمریکا و همه متحدان آن بر ضد روسیه به پا داشتند در درجه اول به اروپا و به ویژه به آلمان صدمه می‌زند که از منابع گاز، نفت و ذغال سنگ روسیه استفاده می‌کند و کالاهای خویش را در روسیه به فروش می‌رساند و از روسیه مواد اولیه برای صنایع خویش و مواد خوراکی برای شهروندانش دریافت می‌نماید.

تنها آمریکا از برقراری تحریم‌ها علیه روسیه استفاده می‌برد زیرا هم از رشد صنایع آلمان جلوگیری می‌کند و هم نیازهای اقتصادی و مواد اولیه مورد نیاز صنایع آلمان را با بهای گران‌تر به آنها می‌فروشد. رفتار آمریکا با آلمان مانند ارباب با نوکر است.

آمریکا خوشحیالانه به تحریم روسیه در واقع مردم روسیه را با یک ارزیابی ذهنی برای یک «انقلاب مخملی» تحریک می‌کند و تصور می‌کند پایه‌های مردمی پوتین را از بین برده و از درون در اداره کشور روسیه اخلاص خواهد کرد. تحریم از نظر آمریکا «عامل انقلاب مخملی» است. زیرا تحریم همیشه و در درجه اول به ضرر مردم و گرسنگی دادن به آنها است و ما این تجربه را در عراق، افغانستان، یمن و ایران دیده‌ایم و تجربه نشان داده است که در هیچ‌کدام از این کشورها نتوانسته است «انقلاب آمریکائی» موفق شود.

اما آمریکا برای فرب افکار عمومی و برای اینکه مدعی شود که اقداماتش صرفا جنبه ضدبشری و ضدمردمی و نژادپرستانه ندارد این بار اولیگارش‌های روسیه را که از متحدان پوتین به حساب می‌آورد مورد عنایت خود قرار داده است و می‌خواهد خود را نماد عدالت‌خواهی، مبارزه با فساد، انساندوستی نشان دهد زیرا که تحریم‌هایش دامن پولدارها را نیز می‌گیرد.

الیگارش‌های روسیه همان عمال رویزیونیست‌های سابق در شوروی بودند که در تمام نظام اداری شوروی سوسیال‌امپریالیستی حضور داشتند و وقتی این نظام پوسیده فروپاشید ثروت مردم شوروی را میان خود تقسیم کردند. آنها خالق کسب و کار نبوده‌اند، انگل‌هائی در نظام گذشته بودند که به پاس قدرت اداری که در اختیار داشتند کسب و کار را از دولت به غنیمت گرفتند

طبقه الیگارش‌های روسی در پی فروپاشی بروکراسی رویزیونیستی سرمایه‌داری دولتی در شوروی و رویکرد به سرمایه‌داری بازار آزاد و خصوصی‌سازی بخش‌های گوناگون اقتصادی به ویژه بخش‌های بانکی، صنعتی، و نفت و گاز روسیه در دهه ۱۹۹۰ به پاس رابطه‌ها و قدرتی که در آن زمان در دستگاه اداری داشتند به وجود آمد. آنها مفت‌خور و یک دستگاه... **ادامه در صفحه ۴**

به حزب کار ایران (توفان)، حزب طبقه کارگر ایران پیوندید

جنگی سرنوشت ساز... دنباله از صفحه ۱

تا آنها را برای جنگ اوکراین آماده کنند و بنا بر آتین آقای جو بایدن جنگ را طولانی و فرسایشی نمایند تا روسیه را به حساب خودشان از پای درآورند.

دبیرکل نژادپرست ناتو، آقای «ینس استولتنبرگ» (Jens Stoltenberg) بیان کرد: «آماده‌ایم سال‌ها از اوکراین در برابر روسیه حمایت کنیم»، «ما آماده‌ایم سال‌ها از کی‌یف در برابر مسکو حمایت کنیم؛ ما آماده هستیم برای مدرن‌سازی تسلیحات زمان شوروی به سلاح‌های غربی و مدرن به اوکراین کمک کنیم. باید برای درازمدت آماده باشیم. این احتمال وجود دارد که این جنگ ماه‌ها و سال‌ها طول بکشد و ادامه یابد».

این جنگ در اوکراین جنگی جانبی، کناری، منزوی، تنها مربوط به دو کشور نیست. جنگی است که فرجام آن به سرنوشت آحاد انسان‌ها انکشاف مبارزه طبقاتی و به سرنوشت بشریت گره خورده و ربط دارد. این جنگ، تنها جنگ روسیه با نازی‌های اوکراین نیست، جنگ ما ایرانی‌ها، جنگ ما کمونیست‌ها نیز هست و این است که بشریت و همه نیروهای مترقی نمی‌توانند نسبت به سرنوشت این جنگ بی تفاوت باشند و مانند پاره‌ای ژینگولوهای سیاسی لم داده و هر دو طرف را یکی را کمتر و دیگری را بیش‌تر محکوم کنند و نتیجه جنگ برایشان بی تفاوت باشد.

جهان در حال غلیان است، جنگی آشکار و پنهان، بی‌رحمانه و ضدبشری برای ایجاد نظم نوینی در جهان برپا شده است. هیچ کس در این نبرد نمی‌تواند بی‌طرف بماند. تمام نقاب‌های حقوق بشری بورژوازی، آزادی‌خواهی لیبرالی، دموکراسی بورژوازی بر زمین می‌افتد و چهره‌های ریاکار از پس آنها برملا می‌گردند. فرصت‌طلبان، اپورتونیست‌ها، دشمنان خلق‌های جهان، دشمنان دولت‌های مستقل، دشمنان ملت‌ها و طبقه کارگر و زحمتکش‌شان جهان دیگر قادر نیستند خود را در پشت کوهی از الفاظ کلیشه‌ای و عوام‌فریبانه پنهان کنند. حتی دبیرکل دست‌نشانده سازمان ملل متحد نیز قادر نیست نقش کثیف خود را در دسیسه‌چینی برای جنگ و حمایت از نژادپرستی و نازی‌ها و حمایت از تجاوزات آمریکا در جهان، دخالت‌هایش در امور داخلی کشورها، نقض دائمی منشور ملل متحد بپوشاند. نقش سازمان ملل را نگاه کنیم که به حربه جنگ بدل شده است و نه مدافع صلح. سازمانی که بر همه تجاوزات امپریالیسم آنگلوساکسون و صهیونیسم بین‌الملل مهر تائید می‌کوبد. در مورد صلح، کاهش تسلیحات، مبارزه با گرسنگی، تروریسم و... به یاوه‌سرانی مشغول است و در حقیقت با آراء تقلبی که به یاری آمریکا و انگلیس سرهم بندی نموده‌اند با توسل به ماشین رای‌گیری و اکثریت‌سازی به اغواء مردم اشتغال دارند تا تصمیمات مستبدانه خویش را «دموکراتیک» جلوه دهند. این روش سازمان ملل برای این سازمان اعتبار نمی‌آفریند، تمه آبروی وی را نیز

می‌ستاند. رای‌گیری شبه‌دموکراتیک با همکاری ممالک ساختگی مثقالی و فاقد مضمون دموکراتیک در اجلاس اخیر این سازمان، آنهم در برخورد به نقض امنیت روسیه و لشکرکشی ناتو به سمت شرق برای تسخیر روسیه و سپس جهان به اعتبار این سازمان لطمه بزرگی زده است. دبیرکل این سازمان باید بدون رودریاستی از جمله در خون ملت‌های فلسطین، سوریه، یمن، افغانستان، عراق، سومالی و ایران غسل کند. دیگر پوکر رویا بازی می‌شود. سخنان دوپهلوی و نشستن میان دو صندلی مقدور نیست و خریدار ندارد. دیگر مزدوران زبان‌دراز نمی‌توانند با پرچم «مبارزه» با هر دو قطب ارتجاع به میدان آیند و به رقاصی برای امپریالیسم و صهیونیسم بپردازند. مرزبندی‌ها در حال شکل‌گیری است. سخن بر سر بود و نبود است. وضعی پیش آمده است که هر کس عقب بنشیند بازنده است و این روند تا تصمیم قطعی و تعیین سرنوشت نهائی جنگ به پیش می‌رود و قابل بازگشت نیست. هر کس باید جای خود را در این روند رو به پیش تعیین کند و تصمیم نهائی خویش را بگیرد.

دسته‌بندی‌ها در جهان در حال تغییر است. کشورها مترصدند که در این نزاع بزرگی که درگرفته است جبهه خویش را معین نمایند. محور این مبارزه در شرق روشن است چین، روسیه، ایران و هند که به دور آن بسیاری ممالک دیگر حلقه زده‌اند. تمام آسیای میانه، بخش بزرگی از خاورمیانه، کره شمالی، بنگالدش، میانمار، شمال آفریقا، ممالک بزرگ و قدرتمند آفریقا، بسیاری از ممالک آمریکای لاتین در یک طرف این جبهه قرار گرفته‌اند و در طرف دیگر جبهه بازنده و میرنده امپریالیسم آنگلوساکسون همراه با ژاپن، کره جنوبی، و اتحادیه نامتحد اروپا قرار دارند که علی‌رغم جار و جنجال حکومت‌های ناشی از انقلابات مخملی و هزینه‌های گزاف در ممالک شرق اروپا و یا نارضائی روشن، ممالک آلمان و فرانسه که بیش‌ترین صدمه را از این وضع می‌خورند، جبهه‌ای فاقد دوراندیشی و دورنما هستند که به اتحاد تظاهر می‌کنند. آمریکا آنها را با تهدید و ارعاب به این سمت کشانده است. بازارهای آنها به تولیدات چین وابسته است و بازار روسیه یکی از مهم‌ترین بازارهای فروش کالا برای تولیدات آنها به حساب آمده و در عین حال منبع تامین سوخت این کشورها بوده است.

روسیه همراه با اوکراین، حدود یک سوم صادرات گندم جهان، ۱۹ درصد از صادرات ذرت و ۸۰ درصد از صادرات روغن آفتاب‌گردان را در دست دارند. تولید و صادرات این کالاها و سایر کالاها از زمان جنگ پیش‌گیرانه روسیه در اوکراین در ۲۴ فوریه و تحریم‌های غرب مختل شده است. چین توانسته با دلارهای بی‌پشتوانه آمریکا از مجموعه ذخایر ارزی خویش ذرت آمریکا را خریده و در سیلوهای خود انبار کند. این بار دزد آمریکائی به کاهدان زده است. اروپا نیز اعصاب متشنجی دارد و از این که در مقابل اقدامات خودسرانه، غافل‌گیرانه آمریکا قرار می‌گیرد و به قعر دره

رانده می‌شود دل‌خوشی ندارد. نشست روز پنج‌شنبه ۱۹ اسفند ۱۴۰۰ برابر (۱۰ مارس ۲۰۲۲) که در پاریس تشکیل شد به شدت تحت تاثیر جنگ اوکراین و مدیریت بحران در بالاترین سطوح آن قرار داشت.

خبرگزاری آلمان دوپچه وله تحت عنوان «نظم جدید اتحادیه اروپا» موضوع نشست کشورهای عضو در کاخ ورسای نوشت:

«کاخ ورسای در غرب پاریس در طول تاریخ بارها صحنه سیاست جهانی و نمایش قدرت در سرنوشت جنگ و صلح قاره اروپا بوده است. اکنون سران دولت‌های عضو اتحادیه اروپا بار دیگر در این کاخ گردهم آمده‌اند، آنهم در بحبوحه جنگی هولناک در این قاره. امانوئل مکران، رئیس جمهوری فرانسه و میزبان نشست کشورهای عضو اتحادیه اروپا یکی از اهداف این اتحادیه را «ایجاد نظامی نوین» اعلام کرده است؛ تا سال ۲۰۳۰ باید اروپایی ایجاد شود که «نقش رهبری را در سطح جهانی به عنوان یک نیروی مبتکر و نوآور ایفا کند». مکران می‌خواهد اتحادیه اروپا با یک ارتش متحد تبدیل به یک «اتحادیه نظامی» شود، که ستونی مستقل از آمریکا در ناتو باشد. این نظریات آقای مکران نشان می‌دهد که جبهه اروپا جبهه‌ای سرهم‌بندی شده است که آمریکا تسلیحات خویش را به زور به آنها می‌فروشد و آلمان را تحت فشار قرار می‌دهد تا از صنایع تسلیحاتی آمریکا سلاح تهیه کند و در اختیار نازی‌ها در اوکراین بگذارد. آمریکا با لحن یک ارباب نسبت به نوکر و غلام حلقه‌بگوشش آلمان، این کشور را مجبور کرده است که به جای خرید گاز از روسیه از آمریکا گاز مایع که ۳۰ درصد گران‌تر است تهیه کند و میلیارد‌ها یورو از بودجه کشور و مالیات مردم آلمان را برای ایجاد تاسیسات زیربنائی، خط لوله و اسکله‌های مناسب برای تخلیه گاز مایع آمریکائی در آلمان اختصاص دهد که بسیار تحقیرآمیز است. سفیر اوکراین در آلمان با رهبران آلمان مانند گماشته رفتار می‌کند که حتی صدای اعتراض پاره‌ای از نوکران غرب را درآورده است. حتی اولاف شولتس صدراعظم دم‌دمی مزاج آلمان به خاطر توهینی که زلنسکی دلقک، با ابراز مخالفتش به سفر رئیس‌جمهور آلمان به اوکراین کرده بود، از سفر به این کشور سر باز زد. از سوی دیگر مردم اروپا با جنگ علیه روسیه موافق نیستند. تمام دستگاه‌های ارتباط جمعی و رسانه‌ای تحت نظر و سانسور بوده و به تحمیق مردم اشتغال دارند، که تأثیری محدود و موقت خواهند داشت. جبهه امپریالیسم در حال افول، مستحکم نیست، زمان به نفعش کار نمی‌کند، موجی از تورم و بیکاری در این ممالک در حال رشد است و به شدت به تضاد کار و سرمایه در ممالک امپریالیستی غرب دامن می‌زند. در اینجا سخن بر سر تقسیم مجدد جهان و مناطق نفوذ است. وضعیتی که آمریکا به زور به جهان تحمیل کرده بود، مقابله با فلسطین، ایران، سوریه، افغانستان، ... ادامه در صفحه ۳

جنگی سرنوشت ساز... دنباله از صفحه ۲

عراق، یمن، کوپا، ونزویلا، شیلی، آرژانتین، نیکاراگوئه، سومالی، مالی، سودان و... دیگر برای ممالک و خلق‌های جهان قابل تحمل نیست. این وضعیت را کشورهای اروپا که در زیر بار فشار مالی آمریکا و از جمله ابزار «سویفت» کمر خم کرده‌اند، نمی‌توانند تحمل کنند زیرا که صدمات ناشی از آن را دیده‌اند. اروپا به یکه تازی دلار اعتقادی ندارد زیرا جز ضرر فایده‌ای برای آنها ندارد. آنها در پی تقویت یورو هستند و حتی از تضعیف آمریکا در جهان و تقویت چین و روسیه سود می‌برند. وضعیت دنیای کنونی چه از نظر اقتصادی و چه از نظر سیاسی از ریشه تغییر کرده است. بسیاری از ممالک غیرمتعهد در مقابل این زورگویی‌ها ایستاده‌اند و پیدایش قدرتی به نام چین در جهان آنها را در تقویت راهی که در پیش گرفته‌اند مصمم‌تر ساخته است. آمریکا آنچه را که از نظر سیاسی، اقتصادی، دیپلماتیک در جهان از دست داده است می‌خواهد با زور، قلدری و نیز تلاش برای فرسایشی کردن جنگ روسیه با اوکراین جبران کند. ولی واقعیات نشان می‌دهند که نه روسیه و نه چین و نه ایران را نمی‌شود به این سادگی با تهدید و تحریم از پای درآورد و این آمریکاست که باید برای بازگشت حجم عظیم دلارهای بی‌پشتوانه به کشورش، که سونامی وحشتناک تورم را به دنبال خواهد داشت چاره‌جویی کند. میلیاردها دلار بی‌پشتوانه و بدون مصرف و بی‌خریدار در راه بازگشت به سامانه مالی آمریکاست.

آمریکا ولی تلاش دارد با کودتا در پاکستان که تا امروز در جبهه شرق قرار داشت، با ایجاد اختلاف و دامن زدن به جنگ بین ایران و افغانستان، و در مرزهای بلوچستان با پاکستان و تحریک و تقویت تروریست‌های بلوچ، با تقویت تروریسم و داعش، دامن زدن به آتش جنگ دینی میان شیعه و سنی و یا اختلافات قومی در افغانستان، رشوه دادن به هندوستان برای جلب آنها، در این دسته‌بندی جهانی اعمال نفوذ کند و در راه ایجاد جاده ابریشم میان چین، افغانستان و ایران به اخلاص دست زند.

آمریکا قصد دارد که برای ممانعت از شکستش در اوکراین به اختلافات واقعی و یا ساختگی قومی در افغانستان و ایران دامن بزند، نشست ناسیونال شونیست‌های آذری ایرانی در باکو که گویا در سال آینده می‌خواهند در تبریز جشن جدائی و تجزیه ایران را بگیرند، دخالت روشن اسرائیل در اقلیم کردستان و همدستی کردهای ناسیونال شونیست ایران با آنها، تقویت جبهه الاحواز توسط عربستان سعودی و اسرائیل برای رواج تروریسم در خوزستان و نظایر آنها همه برای آن است که در ارکان این جبهه مشترک که به وجود آمده است، تخریب به عمل آورند. امپریالیسم و صهیونیسم در پی انجام انقلاب مخملی در ایران هستند و از تحریکات قومی و اپوزیسیون‌سازی در خارج از کشور و تبلیغات مخرب رو به ایران به شدت و با مصرف پول فراوان حمایت می‌کنند و

فعالند. صحنه‌سازی‌های سیاسی تبلیغاتی با دست فربخ خوردگان و خود فروختگان که جبهه واحدی در خارج ایجاد کرده‌اند از برنامه‌های مدون امپریالیسم است. مشتی ایرانی مزدور نیز از «چپ» و راست در این عرصه با نام‌های کاذب «فرهنگی»، «حقوق بشری»، «همجنس‌گرایان، مردستیزی، دین ستیزی، اسلام‌ستیزی و به بهانه مبارزه برای تحقق «حقوق زنان» که مبارزه‌شان ماهیتا ضدزن، حمایت از کالا شدن زنان و حتی ضدملی و استعماری می‌باشند در گشت و گذارند و مبارزه زنان برای حقوق قانونی، انسانی، شهروندی خویش را به مبارزه غیرطبقی، مردستیزانه در خدمت منافع رسانه‌های آلوده امپریالیستی بدل کرده‌اند.

خبرگزاری دویچه وله در تاریخ ۲۴/۰۴/۲۰۲۲ در مورد سیاستی که ترکیه به عنوان عضو ناتو در مقابل روسیه و جبهه شرق اتخاذ کرده است اعلام کرد که: «کشتی‌های جنگی روسیه اجازه عبور از تنگه بسفر را ندارند و اکنون ترکیه حریم هوایی خود را نیز به روی پروازهای روسیه به سوریه به مدت سه ماه بست. دبیر کل سازمان ملل پیش از سفر خود به روسیه و اوکراین به ترکیه می‌رود.» دولت روسیه نیز به سرعت اقلام بزرگ تسلیحاتی از حریم هوایی ایران به سوریه رسانید زیرا ترکیه قصد دارد به یاری اسرائیل، به سوریه حمله کند تا رویاهای امپراتوری عثمانی را مجدداً زنده نماید. این اقدام ترکیه نشان داد که این کشور دیگر نمی‌تواند میان دو صندلی بنشیند و عملاً جای خویش را در این نبرد سرنوشت‌ساز در آینده تعیین کرد. ترکیه هم به توریسم روسیه و اوکراین و هم به سوخت ایران و روسیه نیاز دارد و هم به عنوان یک کشور تجاری و غیرصنعتی نمی‌تواند راه‌های خود را بر روی ایران و آسیای میانه ببندد. ترکیه در راهی گام گذارد که خود را از گردونه تحولات بعد از جنگ اوکراین به بیرون پرت کرد و در طرف بازنده تاریخ قرار گرفت. وضعیت ترکیه بعد از شکست آمریکا در اوکراین، نرسیدن سوخت، غله، تلاشی ناتو بسیار شکننده است. ترکیه قدرت مانور خویش در قفقاز و آسیای میانه را از دست می‌دهد و در آستانه تجزیه قرار خواهد گرفت.

کشورهائی نظیر ترکیه و اروپا هستند که در طرف بازنده جنگ صف آرایی کرده‌اند و وضعیت بعد از جنگ آنها بسیار وحشتناک خواهد بود. ممالکی نظیر عربستان سعودی و امارات متحده عربی که از ضعف آمریکا، عدم وفاداری آنها به تعهداتشان، قدرت چین و ایران در منطقه با خبرند، بسیار دست به عصا هستند و نمی‌خواهند با روسیه، چین و ایران که در کنار آنها قرار دارند و همسایه آنها محسوب می‌شوند به امید آمریکائی که ۱۱ هزار کیلومتر دورتر است درگیری پیدا کنند. این احتیاط عربستان سعودی و امارات و قطر که از مراکز گاز و سوخت جهان هستند هرگز مورد تأیید آمریکا و متحدانشان نیست ولی چاره‌ای ندارند که با آنها سرکنند. این ممالک از هم اکنون برای نظم بعد از شکست آمریکا خود را آماده می‌کنند و در پی آن هستند که روابطشان

با ایران را بهبود بخشند.

ایران به احتمال یکی از پیروزمندان این جنگ است و به قدرتی در منطقه تبدیل می‌گردد که نقش مهم‌تری در خلیج فارس، در بحرین، در عراق، اقلیم کردستان اسرائیلی و افغانستان و به ویژه در قفقاز بازی خواهد کرد.

رشد تضادهای جهانی، پیدایش قدرت مهمی به نام کشور چین، سربرفراشتن مجدد روسیه، پیدایش بازار شرق، جبهه اورآسیا، سیاست کمر بند راه و جاده ابریشم، افزایش قدرت اقتصادی و نظامی شرق با اکثریت جمعیت جهان عوامل واقعی از یک سو هستند که آنها را در مقابل غرب در حال افول ولی سرکوبگر، استعمارگر، غارتگر، زورگو، نژادپرست، باج‌گیر که می‌خواهد با توسل به زور نظامی و تهدید به قتل و کشتار، پول ورشکسته خود یعنی دلار بی‌پشتوانه و کاغذ پاره را به عنوان ارز معادل جهانی به همه کشورها حقه کند و دزدی را به جای فضیلت جا زند و شب را روز بنامد، و این نظم چپاولگرانه و ضدبشری را ادامه دهد، قرار داده است. این نظم در حال فروپاشی است. نه ملت‌ها، نه طبقه کارگر و زحمتکشان و نه خلق‌های جهان این نظم نژادپرستانه استعماری و راهزنانه را نمی‌پذیرند.

بعد از جنگ جهانی دوم نظم نوینی در جهان برقرار شد که با فروپاشی اتحاد شوروی آن نظم مورد توافق دول فاتح در جنگ جهانی دوم درهم شکست. رئیس جمهور آمریکا جرج بوش پدر، جنگ نخست خود را در عراق با پرچم ایجاد نظم نوین جهانی آغاز نمود و فروپاشی فدراسیون روسیه را جشن گرفت و ارتش ناتوی تجاوزکار و تلافی‌جو را به سمت روسیه برای تجزیه این کشور و تبدیل آن به قطعات قابل بلع برای امپریالیسم غرب سوق داد. دنیای دو قطبی به دنیای تک قطبی که در راس آن آمریکا قرار داشت تغییر کرد. این نظم تحمیلی که با چالش مردم جهان روبرو شده، به وضعیت کنونی جهان انجامیده و دچار تزلزل گشته دیگر قابل دوام نیست.

ولی این قدرت مسلط در حال افول حاضر نیست بدون جنگ‌افروزی، کشتار میلیونی، بدون غارت و تخریب به واقعیت جهان کنونی تن در دهد. اعتراف به شکست از طرف آمریکا یعنی نابودی تسلط دلار، یعنی اینکه آمریکا دیگر قادر نیست پول کاغذی و بی‌حساب چاپ کند و بار بحران خود را به درون سایر کشورها منتقل نماید و ثروت آنها را غارت کند، با پول بی‌ارزش از سایر ممالک مواد اولیه تهیه کند، جنس و خدمات بخرد. آمریکا نمی‌تواند با چاپ بی‌حساب و کتاب کاغذ پاره دلار، ذخایر ارزی سایر ممالک را از امشب به فردا بی‌ارزش کند. شکست آمریکا در این جنگ یعنی شکست ناتو، شکست صنایع نظامی و مجتمع‌های صنعتی نظامی این کشور، یعنی پایان روابط ارباب و رعیتی آمریکا با سایر ممالک و از دست دادن هژمونی خویش در جهان و به ویژه در اروپا.

شکست آمریکا در جهان، روابط میان کلیه ممالک در جهان ... ادامه در صفحه ۴

جنگی سرنوشت ساز... دنباله از صفحه ۳

را بر اساس دیگری تنظیم خواهد کرد. یکی از تغییرات عظیم ژئوپلیتیک در جهان زیر سؤال رفتن کشور مصنوعی اسرائیل است. ضربه‌ای که به صهیونیسم می‌خورد چهره سیاسی منطقه خاورمیانه را تغییر خواهد داد.

از هم اکنون ایران، لبنان، سوریه، فلسطین، عراق خود را برای این تغییر آماده می‌کنند. همه ۳۰۰ یا ۴۰۰ بمب اتمی اسرائیل در نظم نوین جهانی قدرت تخریب خود را از دست می‌دهند و سیل بازگشت یهودیان وارداتی به سرزمین‌های مادری خویش آغاز می‌شود که از هم اکنون آغاز شده است. دولت ترکیه حمایت ناتو را از دست خواهد داد و دیگر قادر نیست امنیت لوله‌های انتقال سوخت به اروپا را تامین کند.

دولت باکو نیز حامیان غربی خویش را در منطقه قفقاز از دست خواهند داد و جمهوری آذربایجان با تحولات چشم‌گیری روبرو خواهند شد. دولت ساختگی بحرین که به عربستان سعودی، و اسرائیل تکیه کرده بود، باید برای بقاء خود حداقل به اصلاحات عمیق داخلی دست بزند و دست استعمار انگلیس را از بحرین کوتاه کند.

عربستان سعودی قادر نخواهد بود به کشور مستقل یمن به عنوان مستعمره خویش بنگرد و باید حق حاکمیت این کشور را به رسمیت بشناسد. تنها همین نمونه‌های کوچک نشان می‌دهد که تحولات ژرفی در دنیا در پیش است.

جنگی که در گرفته است برای آمریکا و انگلستان مسئله مرگ و زندگی است.

اینکه آنها در اثر شکست به استفاده از بمب اتمی متوسل شوند منتفی نیست. آمریکا در جنگ جهانی دوم جنایتکارانه به این کار دست زد و از گلوله‌های اورانیوم رقیق شده نیز در تجزیه یوگسلاوی، تجاوز به عراق و افغانستان استفاده کرد. خطر ایجاد زمستان اتمی توسط آمریکا منتفی نیست. ولی حتی چنانچه فرض محال چین، روسیه و جبهه رو به عروج شکست بخورد جهانی که از آن متولد می‌شود، جهان آمریکا و انگلستان نخواهد بود.

چهره سیاسی جهان تغییر خواهد کرد و جهان همانگونه که اقتضاء زمان می‌طلبد به سوی جهان چند قطبی پیش خواهد رفت. این جهان چند قطبی جهان ایدآل ما کمونیست‌ها نخواهد بود ولی ما واقفیم که در دنیای تخیلی و رویایی زندگی نمی‌کنیم و سیاست‌های خویش را باید بر اساس داده‌های عینی جهان واقعی و تناسب قوای طبقاتی تنظیم کنیم، ولی شرط نخست هر تحول انقلابی بعدی بر روی کره خاکی تغییر نظم استعماری و نژادپرستانه کنونی است. رفع این مانع بزرگ فرصت‌های ما را در مبارزه طبقاتی افزایش خواهد داد و دست ضدانقلاب را که بر رسانه‌های جهانی سلطه دارند قطع خواهد کرد.*

«تقدیس» مالکیت... دنباله از صفحه ۱

مافیائی هستند که ما نظایر آنها را در ایران نظیر خانواده رفسنجانی و یا لاریجانی و نظایر آنها داریم. مصادره اموال این دزدها جلب همدردی کسی را در جهان نخواهد کرد و از این امر مالک غارتگر امپریالیستی به خوبی سود بردند. ببینید که این الیگارشی‌ها که سد راه پیشرفت شوروی و حال روسیه بودند بر اساس گزارش مطبوعات جهان و از جمله روزنامه آلمانی «زودوویچه تسایتونگ» مورخ ۹ و ۱۰ ماه آوریل ۲۰۲۲ در زمره چه جانورانی هستند: سرشناس‌ترین الیگارشی در بریتانیا، رومن آبراموویچ بازرگان روسی می‌باشد که صاحب باشگاه معروف فوتبال چلسی است. ثروت وی را به ۱۴ میلیارد و ۳۰۰ میلیون دلار تخمین می‌زنند.

آقای آلکساندر لیدف، بانکدار و مامور سابق کا. گ. ب. (سرویس اطلاعاتی و امنیتی شوروی) که پسرش یوگنی در حال حاضر صاحب روزنامه ایونینگ استاندارد در لندن است، خود یکی دیگر از این افراد به حساب می‌آید. این آقا اکنون یک شهروند بریتانیایی و عضو مجلس اعیان بریتانیا است. نشریه آمریکایی فوربس، ثروت آقای روتنبرگ را که یکی دیگر از الیگارشی‌ها می‌باشد یک میلیارد و ۲۰۰ میلیون دلار تخمین زده است.

وزارت دادگستری آمریکا روز چهارشنبه دوم مارس ۲۰۲۲ یک گروه کار به وجود آورد تا با حضور بازرسان ویژه، مسئول پیگرد قانونی الیگارشی‌های فاسد روسیه و کسانی شوند که به آنان در دور زدن تحریم‌ها و همچنین جلوگیری از توقیف اموال لوکس خود یاری می‌رسانند. در مجموع آمریکا در فهرست جدید تحریم‌های خود علیه روسیه، ۱۹ الیگارشی روس و ۴۷ عضو خانواده آنان را تحریم کرده است. همچنین علاوه بر اتحادیه اروپا و آمریکا، بریتانیا نیز ۱۶ الیگارشی روس را در فهرست سیاه تحریم‌های خود قرار داد.

نشریات غربی اطلاع دادند، دولت ایتالیا اعلام کرد که ارزش دارایی‌های مسدود شده الیگارشی‌های روس در این کشور به ۱۴۰ میلیون یورو رسیده که این دارایی‌ها شامل قایق‌های تفریحی و املاک الیگارشی‌های نزدیک به کاخ کرملین است. پیش از آن نیز فرانسه، راستی آزمایشی‌ها و کنترل‌ها در بنادر و کارخانه‌های کشتی‌سازی ویژه نگهداری از قایق تفریحی در سواحل مدیترانه را آغاز کرده است. این قصه ولی سر دراز دارد. ایگور سچین سهام‌دار اصلی و رئیس «روس‌نف» (Rosneft) شرکت نفت و گاز روسی همکار پوتین و از مأموران دستگاه اطلاعاتی شوروی سابق بوده و اکنون به عنوان یکی از مشاوران نزدیک رئیس‌جمهور روسیه به شمار می‌رود و حال در فهرست تحریم‌های اتحادیه اروپا قرار دارد. در روز پنج‌شنبه سوم مارس ۲۰۲۲ در بندر موناکو، مقام‌های گمرک فرانسه و مقام‌های پادشاهی موناکو یک قایق تفریحی متعلق به سرگئی گالیتسکی، الیگارشی روس و بنیانگذار فروشگاه‌های زنجیره‌ای ماگنیت را تحت کنترل خود قرار دادند.

آلگ دریاسکا، بنیانگذار و مدیرعامل شرکت آلومینیوم‌سازی روسی روسال، که به عنوان دومین

شرکت بزرگ آلومینیوم‌سازی جهان شناخته می‌شود و الکساندر آبراموف، رئیس اوراز، شرکت روسی فولاد و استخراج معادن، دیگر الیگارشی‌های روس هستند در سواحل لوکس جنوب فرانسه قایق‌های تفریحی دارند.

همچنین الکسی مورداشوف، الیگارشی معروف روس و نزدیک به ولادیمیر پوتین، یکی دیگر از کسانی است که در فهرست تحریم‌های اتحادیه اروپا قرار گرفته است. یک سخنگوی دولت ایتالیا روز جمعه چهارم مارس ۲۰۲۲ اعلام کرد که پلیس این کشور یک یاخت ۶۵ میلیون یورویی متعلق به مورداشوف مالک اصلی و مدیر عامل شرکت سیورستال که بزرگ‌ترین شرکت فولاد در روسیه است را در سواحل ایمپریا در شمال غربی ایتالیا توقیف کرده است.

یکی دیگر از این مفسدان آقای الکسی مورداشوف الیگارشی روس است که در شامگاه دوشنبه ۲۸ فوریه ۲۰۲۲، با انتشار بیانیه‌ای تلاش کرده بود از دولت روسیه فاصله بگیرد. او نوشته بود: «من مطلقاً با تنش‌های ژئوپلیتیک فعلی کاری ندارم و درک نمی‌کنم چرا اتحادیه اروپا مرا تحریم کرده است». ولی این اعلام برائت مانع توقیف اموال ایشان نشد. دومین قایق تفریحی که از سوی دولت ایتالیا توقیف شد، به ارزش ۵۰ میلیون یورو، متعلق به گنادی تیمچنکو، الیگارشی روس و مالک و مدیر عامل گانور، یک شرکت بازرگانی در زمینه مواد اولیه است. این قایق نیز در سواحل شمال غربی ایتالیا، در سانرمو، توقیف شده است. نشریه فوربس در سال ۲۰۱۳ این الیگارشی روس را به عنوان «یکی از چهره‌های بسیار با نفوذ در روسیه» معرفی کرد. در سال ۲۰۱۹، ثروت تیمچنکو نزدیک به ۲۲ میلیارد دلار ارزیابی شد که او را در ردیف یکی از ۵۰ فرد ثروتمند جهان قرار داد.

همچنین ایتالیا یک واحد ملکی در جزیره ساردینیا به ارزش ۱۷ میلیون یورو را توقیف کرد که متعلق به علی شیر عثمانف، دیگر الیگارشی معروف روس است که از ثروتمندترین افراد در روسیه به شمار می‌رود. در آلمان نیز در حالی که چندین رسانه از توقیف یک قایق بزرگ تفریحی ۵۰۰ میلیون یورویی و تحت تعمیر در بندر هامبورگ، متعلق به علی شیر عثمانف خبر دادند. مقام‌های آلمانی روز پنج‌شنبه سوم مارس این خبر را تکذیب کردند. این کشتی به نام «دلبر» متعلق به گل‌بهار اسماعیلوف خواهر علی شیر عثمانف است (روزنامه زود دویچه مورخ ۹ و ۱۰ آوریل ۲۰۲۲). خواهر خانم گل‌بهار به نام سعادت نظریف دارای میلیاردها دلار در بانک‌های سوئیس است که نمی‌تواند ناشی از درآمد شغلیش- پزشکی زنان و زایمان- باشد. این آقای علی شیر عثمانف دارای ویلاهای متعدد در منطقه باواریا در شهر «ته گن ز» در جنوب آلمان می‌باشد.

همچنین ایگور شووالوف، معاون اول نخست‌وزیر سابق روسیه و رئیس بانک توسعه روسیه (وینشیکوم بانک) را نیز تحریم کردند و بر اساس این تحریم‌ها، دسترسی این دو الیگارشی روس به سامانه‌های مالی بریتانیا و آمریکا مسدود شده است. یکی دیگر از

...ادامه در صفحه ۶

با تسلط رویونیسم در حزب طبقه کارگر، ماهیت پرولتری حزب تغییر می‌کند

فاجعه انسانی... دنباله از صفحه ۱

این اشاره مفهوم معینی نداشت، ولی امروز بدان معنا به کار گرفته می‌شود که گویا این جنگ یک جنگ قومی و مذهبی علیه عربستان سعودی و امارات متحده عربی است. جنگی میان شیعه و سنی. در حالیکه اساسا چنین نیست. آنها خود را «انصارالله» می‌نامند و از این انتساب این را مد نظر دارند که در این جبهه نه تنها حوثی‌ها بلکه افرادی با سایر تعلقات قومی و مذهبی فقط مشروط به اینکه برای آزادی و استقلال کشورشان مبارزه کنند حق شرکت دارند. «انصارالله» جبهه واحد خلق یمن است.

عربستان سعودی که متکبران می‌خواست «کار حوثی‌ها» را در عرض چند هفته یکسره کند و مقاومتشان را درهم شکند، اکنون حدود هشت سال است که گرفتار تجاوز به یمن است و با مدرن‌ترین سلاح‌های آمریکائی، انگلیسی، آلمانی، فرانسوی و مستشاران اسرائیلی و انگلیسی و ناتو هنوز نتوانسته است اراده مردم یمن را در هم بشکند. و برعکس مزدوران وارداتی خودش در میدان نبرد مرتب تار و مار شده و حتی در میان متحدان خودش از جمله امارات متحده عربی بر سر تناسب نفوذ در یمن اختلاف افتاده است. اراده خلقی را که برای آزادی و استقلال خود می‌جنگد نمی‌شود درهم شکست. این را آمریکا در ویتنام، شوروی در افغانستان، و عربستان سعودی در یمن تجربه کرده و می‌کنند. از زمان آغاز جنگ یمن تاکنون هزاران غیرنظامی به ویژه کودکان قربانی جنایات ائتلاف سعودی شده‌اند. عربستان سعودی مساکن مردم، شهرها و تمام شهر تاریخی صنعا را بمباران می‌کند تا هویت مردم یمن را از بین ببرد.

این یک جنایت جنگی است و سازمان یونسکو باید به اقدامات مقتضی در جلوگیری از این جنایت دست زند.

به گزارش گروه بین‌الملل خبرگزاری تسنیم، ائتلاف متجاوز عربی به رهبری عربستان سعودی به مدت ۷ سال کشور یمن را به لحاظ دریایی، هوایی و زمینی محاصره کرده و هر از چندگاهی مناطق مسکونی این کشور را بمباران می‌کند و بدین ترتیب نیز هزاران غیرنظامی و به ویژه کودکان بی‌گناه، قربانی حملات و بمباران جنگنده‌های ائتلاف به رهبری عربستان سعودی می‌شوند. همچنین این جنگ منجر به تخریب مناطق مسکونی، زیرساخت‌ها و بازارها شده است.

حتی نشریه خبری المیادین در بیروت در گزارشی نوشت: «طه المتوکل» وزیر بهداشت عمومی و جمعیت در دولت صنعا اعلام کرد که تعداد قربانیان یمن به ۴۷ هزار نفر رسیده است.

این تعداد امروز به وضوح افزایش یافته است. محاصره دریائی یمن برای اینکه به این کشور غذا و دارو نرسد یک جنایت ضدبشری است و دبیرکل بی‌بو و خاصیت سازمان ملل متحد

آقای گوترش که برای انجام وظایف سیاسی و خدمت کاری برای آمریکا فوراً راهی شهر «کی‌یف» در اوکراین می‌شود تا با زلنسکی قاتل وارد مذاکره شود و حمایت خودش را از جنایات زلنسکی اعلام دارد، یک بار هم در عرض این چند سال قدم رنجه نرمودند تا با سر زدن به کشور یمن و پایتختش صنعا از دامنه جنایات عربستان سعودی آگاه شده و ببینند که چه بلائی بر سر مردم یمن که یکی از قدیمی‌ترین اقوام بشریت و دارای تمدنی کهنسال است آورده‌اند.

بر اساس آمار سازمان‌های بین‌المللی تا ۱۸ نوامبر ۲۰۲۱ تعداد کودکان قربانی تجاوزات آمریکایی-سعودی از ابتدای سال ۲۰۱۵ تا پایان نوامبر ۲۰۲۱ بیش از ۳۸۲۵ کودک و ۴۱۵۷ مجروح گزارش شده است. گزارش حقوق بشر حاکی از آن است که تعداد کودکان دارای معلولیت‌های مختلف ناشی از حملات این ائتلاف تجاوزگر به ۵۵۵۹ مورد رسیده است. در این گزارشات از جمله آمده است که بیش از ۳ میلیون کودک یمنی از سوء تغذیه رنج می‌برند، در حالی که روزانه بیش از ۳۰۰ کودک جان خود را از دست می‌دهند و بیش از ۳۰۰۰ کودک دچار ناهنجاری‌های مادرزادی شده‌اند. متجاوزان سعودی با بمباران مناطق مسکونی که مصداق بارز جنایت علیه بشریت است ۱۱۲۸ دبستان و مرکز آموزشی، ۸۳۲۶ مزرعه، ۱۳۶ مرکز ورزشی، ۲۵۰ مکان باستانی و ۵۰ مرکز رسانه‌ای را ویران کرده‌اند. بر اساس گزارشی که چندی پیش برنامه توسعه سازمان ملل منتشر کرد میزان قربانیان یمنی تا پایان سال ۲۰۲۱ حدود ۳۷۷ هزار نفر تخمین زده شد. بر اساس این گزارش ۶۰ درصد از این افراد قربانیان غیرمستقیم جنگ هستند که بر اثر گرسنگی شدید، شیوع بیماری‌ها و نبود زیرساخت‌های پزشکی و درمانی جان خود را از دست داده‌اند. در هفته گذشته اعلام شد که جان نیم میلیون کودک یمنی در اثر کمبود مواد غذایی در خطر است. بر اساس این گزارش، در بخش‌های مغربه، منطقه‌های دورافتاده در استان حجه در شمال یمن، خانواده‌ها برای زنده ماندن به خوردن برگ‌های یک درخت محلی روی آورده و آنها را می‌جوشانند تا به شکل خمیری تلخ در آید و کمی قابل هضم‌تر شود. مغربه یکی از ۱۱ منطقه در یمن است که در اواخر سال ۲۰۲۰ به عنوان منطقه دارای شرایط قحطی شناسایی شد. مادران که خود رنج گرسنگی را تحمل می‌کنند با سینه‌های خشک نمی‌توانند کودکان خود را تغذیه کرده و نجات دهند.

هیچ کشوری در جهان و به ویژه مسئولان سازمان ملل متحد تلاش نمی‌کنند تا بنادر این کشور را به روی مواد غذایی باز کنند تا مردم غیرنظامی به قتل نرسند.

تحریم، گرسنگی دادن به مردم، قتل آنها توسط بی‌غذائی بخشی از سیاست راهبردی عربستان سعودی و غرب برای به زانو درآوردن

مردم یمن است. آنها با آگاهی حقوق بشر را قربانی می‌کنند ولی در مورد دفاع از آن عربده می‌کشند. باید برای رساندن آذوقه به یمن تلاش کرد و ارگان‌های جهانی را تحت فشار قرارداد تا راه‌های قانونی و تحت نظارت جهانی را برای رساندن آذوقه به یمن بازکنند.

نقش امارات متحده عربی

امارات متحده عربی از نظر ژئوپلیتیک در نظر دارد که بخش جنوبی یمن و بندر جدّه را تحت نظر و نفوذ خود در آورد، زیرا این منطقه مهم کشتیرانی و نقل و انتقالات دریائی جهانی از منظر جغرافیای سیاسی بسیار حساس می‌باشد. امارات متحده عربی در رقابت با عربستان سعودی مایل است با تجزیه یمن به شمال و جنوب، یمن جنوبی را تحت کنترل خود گرفته و به نفوذ عربستان سعودی در جنوب در دریای عرب پایان دهد. همکاری نیروهای تجاوزکار به یمن، یک همکاری و ائتلاف حسابگرانه است. امارات متحده عربی با سیاست خود قصد دارد تمام هزینه‌های تجاوز را بر گردن عربستان سعودی بیاندازد ولی در غارت یمن سهم برگتری را به غنیمت بگیرد و همواره نیز خود را کنار بکشد و بازگر مهمی در پشت باشد. در این امر مقامات مسئول امارات که همیشه از توسعه طلبی عربستان سعودی هراس داشته‌اند با امپریالیسم فرانسه و صهیونیست‌های اسرائیل وارد مذاکره شده و با آنها در این امر پیمان بسته‌اند. کنترل دریای عرب نقش مهمی به امارات در کنترل باب‌المنندب و دریای سرخ می‌دهد.

جنگ پارتیزانی در زمین و هوا

جبهه «انصارالله» در کنار پیروزی‌هایی که در جنگ‌های پارتیزانی در زمین کسب کرد و حتی توانست جنگ را به درون سرزمین عربستان سعودی منتقل کند، با دست یافتن به فن آوری جدید و خریدهای تسلیحاتی از ایران موفق شد به نوعی جنگ پارتیزانی در هوا نیز دست یابد. تمام تاسیسات شکستنی و حیاتی امارات و عربستان سعودی و شرکت‌های انحصاری غرب، انحصارات ساختمانی و مالی و کل صنایع توریستی ... در دومی، ابوظبی، در ریاض، حجاز، آرامکو ... در تیررس پهپادها و موشک‌های یمنی‌هاست. این ضربات هولناک آنها را به زانو در آورده و ناچار کرده است شرط احتیاط را رعایت کنند. نسیم دلنشینی که اکنون به مشام می‌رسد درهم شکستن نظم فعلی جهان است.

این درهم شکستگی نظم فعلی از قدرت ناتو، آمریکا، اسرائیل و همدستانشان در منطقه به شدت می‌کاهد و روزنه‌ای برای آزادی و استقلال مردم یمن می‌گشاید.

این تغییر جغرافیای سیاسی در جهان تمام منطقه را تغییر خواهد داد. و این تحول به یاری مردم یمن می‌آید.*

چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است!

«تقدس» مالکیت... دنباله از صفحه ۴

این الیگارشی‌ها آقای نیکولای توکارف است که مأمور کا.گ.ب. در جمهوری دموکراتیک آلمان در زمان حکومت روزنیویست‌ها بود. وی از اکتبر ۲۰۰۷ ریاست شرکت ترانس‌نف، به عنوان بزرگترین شرکت خطوط لوله روسیه، را بر عهده گرفت. این الیگارشی‌ها تا قبل از حمله پیشگیرانه روسیه به اوکراین برای جلوگیری از نسل‌کشی و نازی‌زدائی، هیچکدام از منظر امپریالیسم غرب نه دزد، نه جانی و نه فاسد بودند بلکه همه متحد آمریکا، بریتانیا، فرانسه، ایتالیا و آلمان و هوادار «حقوق بشر» محسوب می‌شدند. ثروت بادآورده آنها در آن زمان به دهان غربی‌ها مژه می‌کرد و نگرانی از بابت «حلال و حرامی» آن نداشتند. ولی در عرض یک هفته همه این «انبیاء» در فهرست تحریم‌ها قرار گرفته و اموالشان مصادره شد. حتی تقاضای برائت و مخالفت با پوتین نیز مانع آن نشد که پول کلانتشان را مانند هلو در گلو فرو نکنند. این نخستین بار نیست که امپریالیسم جهانی غربی، ثروت و پول مخالفان خویش را که به آنها اعتماد کرده‌اند صاف و ساده بالا می‌کشد. آنها پول فرزندانش مارکوس پادشاه فیلیپین را بالا کشیدند، پول کشور لیبی را بالا کشیدند، پول ونزواتا، عراق، افغانستان، ایران حالا نیز روسیه را بالا کشیدند، ولی پول دزدهای ایرانی که به کانادا رفته‌اند را مصادره نمی‌کنند زیرا خودشان در دزدی آنها شریک‌اند. این نمایشات امپریالیسم‌ها نشانه دورویی آنهاست، ولی حال برای نخستین بار، نه پول دولت‌ها، ثروت ملت‌ها، نه پول افراد در مصادره کار، بلکه پول

سرمایه‌داران خصوصی را نیز بالا کشیده‌اند و این طبیعتا پرسش‌ها و مشکلات جدیدی را در عرصه امنیت مالی و اعتماد بین‌المللی طرح خواهد کرد.

برای سرمایه‌داری مالکیت خصوصی امر مقدسی بود و ناموس سرمایه‌داری محسوب می‌شد و کسی حق نداشت به مالکیت خصوصی نگاه چپ کند. ولی در دوران انحصارات و امپریالیسم، مالکیت خصوصی به یک باره انحصاری می‌شود و سرمایه‌داران کلان و یا قدرت‌های انحصاری که قدرت دولتی را در کف دارند، ترجیح می‌دهند که به همان روش راه‌زنان و قطاع‌الطریق‌های قرون وسطی رفتار کنند. اموال تجار را با تاختن بر کاروان‌ها غارت کنند و سر آنها را ببرند. این یک روش جدید مصادره اموال غیرخودی‌هاست. این اقدام، سنتی را در اروپا و غرب به جای می‌گذارد که تیشه به ریشه غرب خواهد زد. در میان سرمایه‌داران نیز زلزله و ترس ایجاد می‌کند. فقدان امنیت سرمایه، کار را به جایی می‌رساند که سرمایه‌داران و یا گروه‌هایی از آنان در پی تامین امنیت خویش برآیند. دیگر حساب بانک‌ها چه برسد به املاک و اموال غیرمنقول امنیت ندارند و یک بار که این بدعت گذارده شود و «قیح» ضبط اموال سرمایه‌داران غیرخودی شکسته شود، آنوقت راه بر هرگونه سوءاستفاده‌ای در آینده باز است. نکته دیگری که در این روش و تاثیرات «نامطلوب» آن می‌شود مشاهده کرد این است که فراموش نکنیم این مفسدان و دزدان در اکثریت خود در گذشته و شاید هم در حال حاضر، از دوستان و متحدان آمریکا بوده و هستند. همه فاسدان و دزدان اوکرائینی، قبل از شروع جنگ به آمریکا و انگلستان پناه بردند و می‌دانند تا زمانی که نوکری و گماشتگی ارباب را

مقدس می‌دارند در این ممالک از مصونیت کامل برخوردارند. آنها گروگان‌های دزدی‌های خود هستند. گرچه این دزدی‌های آشکار فعلا گریبان دزدهای اوکرائینی و ایرانی را نمی‌گیرد، ولی محمد بن سلمان و سایر شیوخ عرب متوجه می‌شوند که انبار کردن ثروتشان در آمریکا و یا اروپا، چه عواقب نامطلوبی می‌تواند برای آنها داشته باشد. این گروه از پیروان آمریکا که از خود اراده‌ای در گذشته نداشته‌اند با توجه به این وضعیت جدید، به طور کلی اعتماد خویش را به آمریکا از دست می‌دهند و می‌روند به سمتی که ثروت‌های خویش را از دست گانگسترهای آمریکائی نجات دهند. ثروت عربستان سعودی یا امارات، چه ثروت‌های دولتی و چه ثروت میلیاردی‌های عرب، از دستبرد آمریکا و اروپا در امان نیست. آنها در پی آن خواهند بود که پناه‌گاه‌های بهتری برای پول‌های خود بیابند که در آن جا حتی در آینده از امنیت کافی برخوردار باشند، که احتمالا این بانک‌ها در آینده بانک‌های چینی خواهند بود که امنیت پول‌های دزدی غارتگران را تامین می‌کنند. آمریکا در جنگ افسارگسیخته‌ای که علیه روسیه به راه انداخته است، بی‌تعمق و با کوتاه‌بینی، بسیاری از «ارزش‌های ادعائی خود را زیر پا گذاشته که معلوم نیست بتواند از صدمات عواقب آن به این زودی‌ها کمر راست کند. نقاب امپریالیسم فروافتاده و چهره واقعی‌اش را همه می‌بینند، حتی نوکران دست به سینه سابقش. *

محکومیت «لیمو ترش»... دنباله از صفحه ۸

فرانسوی‌زبان ساخته «کوستا گاوراس»، کارگردان یونانی‌الصل است که بسیار شبیه رویدادهای ایران در زمان حکومت دکتر مصدق و انجام کودتای ضدملی ۲۸ مرداد می‌باشد. هم سرلشگر وقت فضل‌الله زاهدی و هم بازیگرانی نظیر شعبان بی‌مخ، طیب و رمضان یخی را می‌توانید در این فیلم مشاهده کنید.

داستان فیلم پیرامون نامزد ریاست‌جمهوری چپ‌گرایی است که حزب فاشیستی حاکم سعی در حذف وی و سایر هواداران و اعضای حزب چپ مخالف دارد که سرانجام موفق می‌شود. این فیلم در سال ۱۹۶۹ بر اساس داستانی به همین نام از «واسیلیس واسیلیکوس» ساخته شده است. موسیقی این فیلم ساخته «میکس تئودوراکیس»، آهنگساز بزرگ یونانی و سازنده موسیقی فیلم‌های حکومت نظامی و زوربای یونانی است. این فیلم برنده جایزه اسکار و نیز جایزه گلدن گلوب بهترین فیلم غیر انگلیسی‌زبان در سال ۱۹۷۰ شد. در پایان فیلم وقتی فاشیست‌ها با قتل عام مردم و کمونیست‌ها به پیروزی می‌رسند، همه کتب فلسفی، انقلابی، تاریخی و کمونیستی، سوفوکلس، داستایفسکی، تولستوی، اپیکور، بکت، سارتر، یونسکو، موسیقی مدرن ریاضیات مدرن.. ممنوع می‌شوند و از جمله ممنوعیت‌ها یکی هم حرف الفبای «زد» بود. زیرا «زد» به این معناست که: **او زنده است.** فاشیسم از اشاره به **زنده بودن کمونیسم** هراس دارد. *

عدالت طلبی... دنباله از صفحه ۸

فلسطینی‌ها را که صاحبان اصلی سرزمین فلسطین هستند از روی زمین برکنند. تجاوز آمریکا به ویتنام آدم‌کشی و جنایت محسوب می‌شود ولی نسل‌کشی نیست، زیرا هدف آمریکا نابودی نسل ویتنامی‌ها نبود، بلکه خواهان شکست و تسلط بر ویتنام و تمامی شبه جزیره هندوچین بودند. پس حتی اگر دروغ مربوط به کشتار «بوچا» به دست روس‌ها نیز صحت داشته باشد، بازهم نسل‌کشی نیست. ولی بمباران و کشتار ملت روس در دونباس و دونتسک توسط نازی‌های آرفو در حکومت کنونی زلنسکی در اوکراین، با هدف نابودی روس‌ها، به تمام معنا نسل‌کشی است. ولی بایدن به این ریاکاری از این جهت نیاز دارد که با برجسب نسل‌کشی فوراً می‌تواند از ابزار «قانونی» تحریم، ممنوعیت سفر و سایر گام‌های حقوقی با حمایت کنگره آمریکا بهره‌مند شود. وقتی مخبران از وی در این باره توضیح خواستند بیان کرد: «ما تصمیم بر سر این مسئله را به عهده وکلای حقوقی در سطح بین‌المللی واگذار می‌کنیم که آیا از این آستانه گذشته است یا خیر، ولی من خودم چنین برداشتی دارم». به همین راحتی. این اظهارات مسایل جدید دیگری را نیز در عرصه سیاسی به میدان آورده است و آن این که «جامعه غرب» که خودش را مالک جهان دانسته و لقب «جامعه جهانی» را به خود داده است، حال باید چگونه با رهبران و فرماندهان روسی که از ارتشید به پاتین در حال «نسل‌کشی» هستند، برخورد جدی نماید. این رهبران را و شخص پوتین را چگونه مجازات کند؟ تیم‌های «ردیابی و علمی» راه افتاده‌اند تا در شهر «بوچا» سند و مدرک در افشاء «نسل‌کشی» روس‌ها جمع‌آوری کنند که بیش‌تر به سندسازی و دلیل‌تراشی شبیه است. دادستان، قاضی، مأمور پیگرد و تعقیب، دستگیری، جمع‌آوری سند و اعلام جرم، پزشک قانونی، عکاس، تحلیل و بررسی همه و همه در شخص جو بایدن و زلنسکی خلاصه می‌شوند. این بحث داغ شده است که پوتین را در کدام دادگاه جهانی کیفری محاکمه کنند. امری که هنوز نه به بار است و نه به دار در سناریوهای «جامعه جهانی» با بازیگران حرفه‌ای و دلقک‌های بی‌شخصیت به اجراء گذارده شده است. هنوز جنگ به پایان نرسیده و نازی‌ها نابود نشده، چگونه ممکن است پیامبرگونه در مورد آینده جنگی که شکست مفتضحانه غرب در آن مشهود است با این قاطعیت و در عین حال وقاحت سخن گفت. غرب از دادگاه ویژه‌ای شبیه دادگاه نورنبرگ سخن می‌راند که باید برای محاکمه پوتین تشکیل شود. زیرا آمریکا دادگاه کیفری لاهه را به رسمیت نمی‌شناسد. غرب در ایجاد دادگاه‌های قلابی که ادعای عدالت‌خواهی داشته ولی ابزار استعمار و فریب غربی‌ها هستند ید طولایی دارد. دادگاه میلسویچ و سایر افرادی که در مقابل تجزیه یوگسلاوی ایستادگی کردند و ننگ خیانت نابودی یوگسلاوی را نپذیرفتند، برگزاری دادگاه‌های امپریالیستی با پول و امکانات آنان و فریب مشت‌خوش خیال، و بسیج مشت‌مزدور در تریبونال لندن به رهبری فرقه رجوی، سلطنت‌طلبان منفور و معصومه علی‌نژاد قمی کلا... **ادامه در صفحه ۷**

پیمان تجاوز کار ناتو منحل باید گردد!

عدالت طلبی... دنباله از صفحه ۶

با مدیریت سازمان‌های امنیت غرب، موساد و مدیریت عربستان سعودی و نیز دادگاه‌های شبیه آن تا غرب را هوادار تحقق حقوق بشر و نجات انسان‌ها جا زند، از بخش‌های تخصصی جنگ تبلیغاتی و روانی ارتش‌های متجاوز غرب و ناتوست.

اگر اخبار را پیگیرانه تعقیب کنیم شاهدیم که در دسامبر ۲۰۲۰، شش قاضی جدید در انتخابات دادگاه کیفری بین‌المللی لاهه انتخاب شدند که در ۱۰ مارس ۲۰۲۱ سوگند یاد کردند تا بر اجرای عدالت در جهان نظارت نمایند.

یکی از این افراد، قاضی لهستانی «پیوتر هوفمانسکی» است که از ۱۱ مارس ۲۰۲۱ رئیس دادگاه کیفری بین‌المللی بوده و از سال ۲۰۱۵ در آنجا مشغول به کار است. در مورد بی‌طرفی و اطلاعات حقوقی ایشان نمی‌توانیم قضاوت کنیم، ولی از آنجا که می‌دانیم اتحادیه اروپا با قضات مسلوب‌الاختیار قوه قضائیه در لهستان دارای مشکلات فراوان هستند ما نیز با احتیاط به درجه توانائی قضائی ایشان برخورد می‌کنیم ولی در دشمنی وی با روسیه نباید کوچک‌ترین تردید به خود راه داد.

قبل از این تغییرات، خانم «فاتو بنسودا»، دادستان ارشد دیوان کیفری بین‌المللی لاهه از کشور گامبیا بود. ولی این خانم به علت تصمیماتی که گرفته بود مورد غضب آمریکا قرار داشت. بگذریم از این که آمریکا نه تنها این دادگاه را به رسمیت نمی‌شناسد بلکه دشمنی آشکار خود را با آن اعلام کرده و هشدار داده است که اگر این دادگاه منافع آمریکا را مد نظر قرار ندهد آن را مورد تهاجم نظامی قرار خواهد داد. ولی این دشمنی مانع از آن نیست که با قلدری در برنامه و سیاست این دادگاه دخالت نکند.

در نوامبر ۲۰۱۷ دادستان دیوان کیفری بین‌المللی لاهه مسئله افغانستان را در دستور کار خود قرار داد و از قاضیان این دیوان خواست تا مجوز لازم برای آغاز بررسی رسمی درباره ادعاهای مربوط به جنایاتی جنگی در افغانستان - هم در مورد نظامیان آمریکایی، هم در مورد طالبان و حتی دولت افغانستان (دولت اشرف غنی و کرزی - توفان) را صادر کنند؛ زیرا بر اساس گزارش سال ۲۰۱۶ این دادگاه، احتمال ارتکاب جرایم جنگی توسط ارتش و سازمان مرکزی اطلاعات آمریکا (سیا) در افغانستان وجود دارند. بر اساس این گزارش، بین یکم ماه مه سال ۲۰۰۳ و ۳۱ دسامبر سال ۲۰۱۴ نظامیان و مأموران اطلاعاتی آمریکا در جریان جنگ افغانستان اقدام به شکنجه‌ی دست کم ۶۱ تن از بازداشت شدگان در داخل خاک افغانستان کرده‌اند که مصداق ارتکاب جرایم جنگی است.

فراموش نکنیم که در بازداشتگاه «بکرام» هزاران نفر افغانی را آمریکائی‌ها به قتل رساندند و اسراء را در کامیون‌های سقف‌دار و محفوظ سوار نموده، با گاز

خفه کرده و سپس به رگبار گلوله بستند و اجساد آنها را به عنوان خوراک وحوش در بیابان‌ها رها نمودند. فیلم این جنایت نفرت افکار عمومی مردم جهان را در زمان خود برانگیخت.

همین دادگاه، مسئله تجاوز آمریکا و انگلستان و متحدان آنها به عراق (قابل توجه این که ۵ الی ۶ هزار سرباز اوکرائینی در این تجاوز شرکت داشتند - توفان) و جنایاتی را که آنها با جعل و دروغ به خورد مردم دادند، در دستور کار خود قرار داد. خانم «مادلین آلبرایت» وزیر وقت امور خارجه آمریکا (بخوانید وزیر امور مداخله در امور داخلی سایر ممالک) با صراحت از کشتار نیم میلیون کودک عراقی اظهار شادمانی نمود و این امر را ضروری دانست. ولی دادگاه علی‌رغم طرح بحث و وجود اسناد غیرقابل انکار نتوانست حتی «تونی بلر» نخست وزیر وقت انگلستان را که در این جنایات دست داشت به محاکمه بکشد. دادستان ارشد دیوان کیفری بین‌المللی خانم فاتو بنسودا در تاریخ ۲۰۲۰/۰۳/۰۵ راه را برای تحقیقات در مورد جنایات جنگی در افغانستان باز کرد. قضات روز پنجشنبه در لاهه حکم دادند که تحقیقات علیه سربازان آمریکایی و اعضای سرویس مخفی سیا نیز امکان پذیر است.

دادستانی اکنون می‌تواند به طور رسمی درباره جنایات جنگی ادعایی در زندان‌های مخفی ایالات متحده در خارج از افغانستان از جمله در لهستان، رومانی، کشورهای بالتیک، نیز تحقیق کند. این اولین بار است که باید تحقیقات علیه شهروندان آمریکایی در دادگاه انجام شود. این اقدام دادگاه خشم رهبران آمریکا را برانگیخت. آمریکا صدور روایت برای مقامات دیوان کیفری بین‌المللی را متوقف کرده و تهدید به تحریم آنان نمود. از آنجا که دادگاه در مورد جنایات جنگی اسرائیل در نوار غزه نیز حکم صادر کرده بود آمریکا خواستار توقف تحقیقات اولیه علیه شهروندان آمریکایی و اسرائیلی شد. دادستانی کل دیوان کیفری بین‌المللی لاهه در سال ۲۰۱۹ پس از تحقیقاتی پنج‌ساله به این نتیجه رسیده بود که برای رسیدگی به جنایات جنگی در کرانه باختری، نوار غزه و بیت‌المقدس شرقی، مینا و مدارک قابل قبولی وجود دارد. در ۱۵ مارس ۲۰۱۹، «مایک پمپئو» وزیر امور خارجه ایالات متحده در زمان ریاست جمهوری «دونالد ترامپ» در یک مصاحبه مطبوعاتی اعلام کرد: «که به هیچ یک از کارکنان دیوان کیفری بین‌المللی (ICC) که در تحقیقات علیه شهروندان آمریکایی یا علیه متحدانش، یعنی اسرائیل، دخیل هستند، روایت ورود به آمریکا اعطا نمی‌شود». وی افزود: «اگر تعقیب قضایی لاهه مسیر لازم را طی ننماید و تحقیقات مقدماتی را متوقف نکنند، اقدامات بیش‌تری انجام خواهد شد و تحریم‌های اقتصادی اعمال خواهد گشت». در تاریخ ۲۰۱۸/۰۹/۱۳ دولت آمریکا در دوران ریاست جمهوری «دونالد ترامپ» از زبان «جان بولتون»، مشاور امنیتی

ایالات متحده، با الفاظ ناشایست به دادگاه کیفری بین‌المللی (ICC)، جامعه بین‌المللی و قوانین بین‌المللی اعلان جنگ کرد.

این است نوع برخورد امپریالیسم آمریکا بت اعظم اپوزیسیون مزدور ایرانی به اجرای عدالت در جهان. تمام متحدان آمریکا نیز بر این جنایات اسرائیل و یا اقدامات خودشان در افغانستان چشم بسته‌اند. ولی در آستانه جنگ اوکراین که آمریکا تدارک آن را حداقل از سال ۲۰۱۴ دیده بود با فشار آمریکا خانم «فاتو بنسودا» از مقام خود خلع شد و آقای «کریم احمد خان»، وکیل بریتانیایی، از تاریخ ۱۶ ژوئن ۲۰۲۱ به عنوان دادستان اصلی فعالیت خود را آغاز کرد. نخستین کار این «عدالتخواه» بریتانیایی، خارج کردن پرونده رسیدگی به جنایات آمریکا، انگلستان و اسرائیل در عراق؛ افغانستان و نوار غزه بود. این پرونده مختومه اعلام شد!!؟؟ گناهان آنها از صحنه روزگار محو شد و حال دادگاه باید تمام هم و غم خود را معطوف آقای پوتین می‌کرد که به گفته آقای بایدن «جنایتکار جنگی» است. دادگاه کیفری جهانی لاهه اکنون مشغول رسیدگی به «جنایات» ناکرده پوتین است. تا نازی‌ها و آمریکا و ناتو را تبرئه کند.

نخستین اقدام این دادستان «عادل» رسیدگی به پرونده آقای پوتین است. به گفته روزنامه «زود دوپچه تسایتونگ» آلمانی مورخ ۱۲ و ۱۳ ماه مارس ۲۰۲۲ آقای «کریم احمدخان» تصیم دارد به «جنایات» ژنرال‌های روسی در سال ۲۰۰۸ در گرجستان رسیدگی کند. اینکه چرا ۱۴ سال بعد این دادگاه «عدالتخواه» و حامی «حقوق بشر» به یاد «جنایات ضد بشری» روس‌ها در گرجستان افتاده است، آقای «احمدخان» چنین فرموده‌اند: «مأموران اداری من در بررسی‌های مقدماتی مربوط به وضعیت اوکراین به رفتار نمادین مشابهی برخورد کرده‌اند» که وضعیت اوکراین را به گرجستان پیوند می‌زند. تمام جبهه حامیان دادگاه‌های امپریالیستی که برای حريم حاکمیت سایر کشورها ارزشی قایل نیستند و جهان را نوکر و گماشته آمریکا تفسیر می‌کنند به راه افتاده‌اند تا از ماهیت این دادگاه‌های امپریالیستی با نقاب حمایت از «حقوق بشر» و مبارزه با «جنایات ضدبشری» حمایت کنند. تجربه عدم رسیدگی به ارتکاب جنایات در عراق، افغانستان، نوار غزه مجدداً این حکم حزب کار ایران (توفان) را تأیید می‌کنند که هرگز نباید به دادگاه‌های امپریالیستی که ابزار استعماری و برای اعمال فشار و نفوذ در کشورها هستند اعتماد کرد. هیچ ایرانی ایرانی‌دوستی نمی‌تواند خواهان تجاوز بیگانگان به ایران، تحریم ایران و حق حاکمیت ملی ایران باشد. احترام به حق حاکمیت ملی ربطی به ماهیت کشورها ندارد. کسی که این اصل بدیهی را نفهمد و یا نخواهد که بفهمد عملاً به مزدوری و گماشتگی بیگانگان چه بداند و چه نداند تن داده است.*



مقالات توفان الکترونیکی شماره ۱۹۰ (اردیبهشت ۱۴۰۱)

را در تارنمای توفان مطالعه نمایید!

توفان الکترونیک در اول هر ماه میلادی منتشر می‌شود!

امپریالیسم آمریکا باید خاک عراق و منطقه خاورمیانه را ترک کند!

محکومیت «لیمو ترش» در دادگاه عالی اداری آلمان به صورت دموکراتیک

یک دادگاه عالی ایالتی در ایالت «ساکسن-آنهالت» (Sachsen-Anhalt) در آلمان فدرال، تقاضای برگزاری تظاهرات مردم را به این علت که این تظاهرات از تجاوز نظامی روسیه به اوکراین دفاع می کند به صورت حقیرانه ای ممنوع اعلام کرد. دلیل دادگاه برای ممنوعیت این تظاهرات را باید در تاریخ تصمیمات قضائی ثبت کرد. یک نسخه از این تصمیم را نیز باید برای انتشار در کتب فکاهی ارسال نمود زیرا در حد خود هم فکاهی و هم تاسف آور است. شرکت کنندگان در تظاهرات بر روی بلوز خود نوشته بودند «هوم.. تِس - یترونن لیموناد» (mmhzh Z-itronenlimonade) به معنی «به به- لیموناد لیموترش». در آلمان استفاده از حرف الفبای (Z) با تلفظ «زد» و یا «تِس» که واژه لیموترش (Zitron) را با آن می نویسند، ممنوع شده است زیرا سربازان روسی در اوکراین برای این که همدیگر را در جنگ اشتباهی نگیرند بر روی بازوی خود از این حرف الفبا استفاده می کنند. این اقدام دولت آلمان که به دادگاه های «مستقل» خود ابلاغ کرده است انسان را به یاد فیلم «Z» می اندازد که در مورد کودتای سرهنگان در یونان بود. «زد» فیلم ... ادامه در صفحه ۶

عدالت طلبی آمریکا و شرکاء ، واژه ای بی محتوی

ولادیمیر پوتین فرشته نیست. وی افسر امنیتی کا. گ. ب. در آلمان شرقی در زمان تسلط شوروی بر اروپای شرقی بوده که بعد از فروپاشی شوروی با استفاده از ارتباطات امنیتی و رشوه دهی و اعمال زور فیزیکی ثروت و اموال زحمت کشان شوروی را در همکاری با گورباچف و یلتسین و کل دستگاہ بروکراتیک روزیونیست های فاسد حاکم بر شوروی، در کنار تحمل نفوذی های غارتگر آمریکائی و اسرائیلی، میان دوستان و بستگان خود تقسیم کرده است. وی در مکتب روزیونیسم حاکم ضد لنین و استالین در شوروی بعد از درگذشت استالین پرورش یافته و دشمنی وی با سوسیالیسم نیز از این امر نشأت می گیرد. الیگارشی های بزرگ امروز روسیه همه در سایه یلتسین و پوتین نازل شده اند. پوتین در قتل عام مردم چچن بیرحمی فراوان به کار برد و پایتخت چچن گروسنی را با خاک یکسان کرد. وی در پی تحکیم منافع امپریالیسم روسیه است و در این راه از مذهب ارتدوکس روسی به بهترین وجهی مانند تزارهای روس استفاده می کند. امروز نیز که به مقابله با قلدری آمریکا برخاسته و - البته این امر به طور عینی به نفع جهان و مردم سایر کشورهاست - با هدف تقویت امپریالیسم روس می باشد که حاضر نیست استیلای آمریکا و یکه تازی آنها را در جهان بپذیرد و به اوامر و دیکته این غارتگر تاریخ گوش فرا دهد. روسیه می خواهد به حساب خودش کار کند و نه به حساب امپریالیست های غرب. روسیه مستعمره غرب نیست و یک کشور مستقل است. پس در این بحث جایی برای حمایت از شخص پوتین و یا توجیه اقدامات تبهکارانه وی و یا امیال امپریالیسم روس نیست و نمی ماند. برخورد حزب ما به رویدادهای کنونی جهان طبقاتی و سیاسی است و باید بر اساس واقعیات عینی و تحلیل مشخص صورت گیرد. حزب ما موافق تغییر وضع موجود، برهم خوردن توازن استعماری و بربرمنشانه کنونی به ضرر غرب است. دفاع مشخص و نسبی ما باید بیش تر متکی بر امنیتی باشد که همه خود را نسبت به آن متعهد حس نمایند. در مورد امنیت، حریم کشوری در تمام زمینها و از جمله در مورد حریم قضائی ... باید با یک معیار رفتار نمود. اگر آمریکا ناقض حقوق بشر و بزرگترین جنایتکار تاریخ است، نمی تواند دادگاه های عدالت خواه و انسان دوست برپا دارد. نه تنها آمریکا بلکه هیچکدام از کشورهای امپریالیستی و ضدبشر غرب نیز نمی توانند حامی حقوق بشر باشند و ما حق نداریم به آسیاب ریاکاری و حقه بازی آنها کوتاه نظرانه آب سرازیر کنیم و تنها تا سر دماغ خودمان را ببینیم. منافع ایران و میهنمان را کوتاه نظرانه در پای احساسات لحظه ای و انتقامجویانه و خونخواهی خصوصی قربانی کنیم. این است که در این مقاله مجدداً به برگزاری نمایشی به نام برگزاری دادگاهی جهانی علیه ولادیمیر پوتین برخورد می کنیم و آن را از دریچه ای عمومی و جامع و نه تنگ نظرانه مورد بررسی قرار می دهیم. اگر ادعای ریاکارانه ای که در مورد پوتین تنظیم کرده اند کارائی داشته باشد، وای به روز کشورها، ملت ها و خلق های سایر کشورها که فاقد قدرت روسیه و پوتین هستند. طبقات ستمکش که جای خود دارند.

نشریه آلمانی زبان «زود دوپچه تسایتونگ» در تاریخ ۱۴ و ۱۵ ماه آوریل ۲۰۲۲ به اظهارات جو بایدن رئیس جمهور آمریکا اشاره کرد. وی بیان داشت: «جنگ روسیه در اوکراین یک «مردم کشی» است». جو بایدن در روز سه شنبه در بیانات خود در «آیووا» چندین بار به این مسئله تکیه کرد و اظهار داشت: «آری! من از یک نسل کشی صحبت کردم... پوتین تلاش دارد این تفکر را که کسی خودش را اساساً اوکرائینی بداند مضمحل نماید». رئیس جمهور موقتی اوکراین آقای زلنسکی که از این افاضات سرمست شده بود برای جویابیدن دست زد و در توئیتر خویش نوشت «کلمات واقعی از یک رهبر واقعی». جو بایدن نه تنها لحن تندی را در برخورد به پوتین اختیار کرده است، حتی زمانی که صحنه سازی های نازی ها در منطقه «بوچا» با برنامه و جعلیات رسانه ای شد، وی بدون این که منتظر تأیید ظاهری مراجع «بی طرف» بماند اظهار داشت: «پوتین یک جنایتکار جنگی است». در اینجا وی از استعمال روشن واژه «نسل کشی» پرهیز نمود، زیرا از نظر حقوقی، نسل کشی را کسی می کند که با برنامه و اعتقادات قبلی یک گروه معینی را سر به نیست نماید. هر کشتاری، نسل کشی نیست، حتی اگر از نظر کمی عدد بزرگ تری باشد. کشتار یهودیان به دست نازی ها نسل کشی بود زیرا آنها با برنامه و ایدئولوژی نفرت تلاش داشتند نسل یهودیان را از روی زمین برکنند. همین هدف را صهیونیست ها در سرزمین اشغال شده فلسطین دارند و می خواهند نسل ... ادامه در صفحه ۶

P.O. Box 1138

D64526 Mörfelden-Walldorf

E-Mail: toufan@toufan.org

Internet: www.toufan.org

Internet: www.toufan.de

Postbank Hamburg

BIC: PBNKDEFFXXX

Bank Account No.: 2573 3026 00

IBAN: DE70 2011 0022 2573 3026 00

سخنی با خوانندگان نشریه توفان

نشریه ای که در دست دارید، زبان مارکسیست - لنینیست های ایران است. «توفان»، نشریه «حزب کار ایران»، حزب طبقه کارگر ایران است. این زبان برای هرچه راستتر شدن به یاری همه کمونیست های صدیق، چه از نظر مادی و چه معنوی نیاز دارد. نظریات و پیشنهادات خود را برای ما ارسال دارید. ما را در جمع آوری اخبار، اسناد و اطلاعات از ایران و جهان یاری رسانید و از تشکل نهضت کمونیستی حمایت کنید. به ما کمک مالی برسانید، زیرا ما تنها به اتکاء بر نیروی خود پابرجائیم و به این مساعدت ها، هر چند هم جزئی باشند، نیازمندیم. در توزیع این نشریه ما را یاری رسانید.

دست امپریالیسم ، متحدان شان از ایران کوتاه باد!